

**تبلیغات (هنر و رسانه‌ها)**

**از دیدگاه**

**امام خمینی (س)**

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

**تبیان آثار موضوعی**

**دفتر بیست و سوم**

خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹-۱۳۶۸. تبلیغات (هنر و رسانه‌ها) از دیدگاه امام خمینی(س)/ تدوین علی اصغر صباغ‌پور. - تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، ۱۳۸۱. ۴۳۵ ص. (تیپان: آثار موضوعی: دفتر بیست‌وسوم)

ISBN: 964 - 335 - 329 - X

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۴۰۱ - ۴۳۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹-۱۳۶۸. - پیامها و سخنرانیها - نظریه درباره تبلیغات - نظریه درباره رسانه‌های گروهی. ۲. اسلام - تبلیغات. الف. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س) - معاونت پژوهشی. ب. صباغ‌پور، علی اصغر، گردآورنده. ج. عنوان.

۹۵۵ / ۰۸۴۲

DSR ۱۵۷۴ / ۵ / ت / ۲۳ هـ

م ۷۸ - ۱۷۵۶۷

کتابخانه ملی ایران

کد / م ۱۴۸۳



تبلیغات (هنر و رسانه‌ها) از دیدگاه امام خمینی(س) - تیپان آثار موضوعی (دفتر بیست‌وسوم)

تدوین: علی اصغر صباغ‌پور

تحقیق و نشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و نشر عروج

چاپ چهارم: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت:



101029000200301

تبلیغات هنر و رسانه از دیدگاه امام

• فروشگاه شماره یک: خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و قزوین، پاساژ ظروفی، تلفن: ۰۸۱-۶۶۴۹۳-۶۶۴۰۰۹۱۵ دورنگار: ۶۶۴۰۰۹۱۵

• فروشگاه شماره دو: خیابان انقلاب، چهار راه حافظ، تلفن: ۶۶۷۰۱۲۹۷

• مراکز پخش: امور نمایندگیها و نمایشگاهها، تلفن: ۶۶۴۰۴۸۷۳

• امور سفارشات و بازرگانی، تلفن: ۶۶۴۸۹۱۶۰

• فروشگاه مجازی مؤسسه عروج [www.oroujpub.com](http://www.oroujpub.com)

نشانی الکترونیکی: [pub@imam-khomeini.ir](mailto:pub@imam-khomeini.ir)

<http://imam-khomeini.ir>

## فهرست

صفحه	عنوان
الف	مقدمه
۱	بخش اول: تبلیغات
۳	فصل اول: کلیات
۳	تعریف تبلیغات
۴	اهمیت تبلیغات
۱۳	فصل دوم: تبلیغات در عصر پهلوی
۱۳	ترویج فساد
۱۵	تقویت رژیم
۲۲	مخالفت با اسلام
۴۲	جهتگیری علیه نهضت اسلامی
۵۳	فصل سوم: نقش تبلیغات در پیروزی انقلاب
۵۳	افشای مفاسد رژیم شاه
۵۹	تبلیغ قیام و مبارزه با شاه

۶۱	بیان خواسته‌های ملت
۶۷	فصل چهارم: تبلیغات در جمهوری اسلامی
۶۷	تبلیغات داخلی
۶۷	انعکاس مبارزات ملت
۷۰	روحانیت و تبلیغات
۷۵	دولت و تبلیغات
۸۱	جنگ و تبلیغات
۸۸	انتخابات و تبلیغات
۹۱	تبلیغات خارجی
۹۱	ضرورت تبلیغ در خارج از کشور
۱۱۰	صدور پیام انقلاب
۱۱۵	دولت و تبلیغات خارجی
۱۱۹	پاسخ به تبلیغات دشمنان
۱۲۲	ضعف تبلیغات خارجی کشور
۱۳۱	فصل پنجم: تبلیغات ضد انقلاب داخلی
۱۵۱	فصل ششم: تبلیغات استکبار جهانی
۱۵۱	اهداف استکبار در تبلیغات
۱۵۱	ایجاد خودباختگی
۱۵۷	بزرگنمایی ابرقدرتها
۱۶۱	اغفال و فریب مردم
۱۶۸	تبلیغات علیه نهضت
۱۷۵	مشوه کردن چهره اسلام

۱۹۶	.....	ترویج اندیشهٔ جدایی دین از سیاست
۲۰۲	.....	تبلیغ علیه جمهوری اسلامی
۲۰۲	.....	تحریف چهره جمهوری اسلامی
۲۱۶	.....	تبلیغ علیه ایران در جنگ
۲۲۰	.....	تفرقه‌افکنی میان ملت
۲۲۳	.....	ادعای نقض حقوق بشر

## بخش دوم: رسانه‌های گروهی

۲۲۹	.....	فصل اول: کلیات
۲۲۹	.....	اهداف رسانه‌ها
۲۳۵	.....	اهمیت رسانه‌ها
۲۴۵	.....	فصل دوم: رسانه‌ها در عصر پهلوی
۲۴۵	.....	خدمت به منافع رژیم
۲۵۱	.....	حاکمیت ساواک بر رسانه‌ها
۲۵۲	.....	خدمت به منافع استعمارگران
۲۶۲	.....	ترویج فساد و فحشا
۲۷۲	.....	تبلیغات علیه اسلام و روحانیت

۲۷۹	.....	فصل سوم: رسانه‌ها در جمهوری اسلامی
۲۷۹	.....	اهمیت رسانه‌ها
۲۸۴	.....	وظایف رسانه‌ها
۲۸۴	.....	معرفی اسلام
۲۹۶	.....	ترتیب ملت

- ۳۱۰..... بیان واقعیتها  
۳۱۶..... اداره رسانه‌ها  
۳۱۶..... حذف عناصر فاسد  
۳۳۰..... اصلاح رسانه‌ها

بخش سوم: هنر و هنرمندان..... ۳۴۱

- ۳۴۳..... فصل اول: هنرمندان  
۳۴۳..... هنرمندان منحرف  
۳۴۶..... هنرمندان معتمد  
۳۴۷..... وظیفه هنرمندان

- ۳۵۷..... فصل دوم: هنر اسلامی  
۳۵۷..... هنر مورد قبول قرآن  
۳۵۸..... موسیقی  
۳۵۸..... حرمت موسیقی مطرب  
۳۶۱..... حرمت خرید و فروش آلات موسیقی  
۳۶۲..... فیلم  
۳۶۵..... مجسمه‌سازی

فصل سوم: استفتائات..... ۳۶۷

- ۳۷۵..... فهرس  
۳۷۷..... فهرست تفصیلی  
۴۰۱..... فهرست مآخذ

## مقدمه

کتابی که پیش روی شما خواننده گرامی قرار دارد، مجموعه‌ای فراهم آمده از گفتار و نوشتار رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی - سلام الله علیه - درباره اهمیت تبلیغات و ضرورت و ویژگیهای آن است که در مجلد بیست و سوم از مجموعه آثار موضوعی (تبیان) با عنوان «تبلیغات از دیدگاه امام خمینی (س)» به همت معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) تدوین گردیده است.

از آنجا که روشن ساختن خطوط کلی اندیشه و الای امام راحل (س) در این زمینه، در سهولت مطالعه کتاب و بهره‌برداری بیشتر از آن، تأثیر شایانی دارد، در این مقدمه به مهمترین آنها اشاره خواهد شد.

گرچه با غوص در ژرفای دریای دانش و بینش امام امت (س)، گوهرهای گرانسنگ فراوانی می‌توان صید کرد که قدر آنها را غواصان گوهرشناس از اهل نظر و بصر می‌دانند و صاحب‌نظران و صاحب‌بصران، کو به کو در جستجوی آنها هستند؛ لیکن در این مقدمه، به اشارتی برای اهل بشارت، بسنده می‌شود؛ زیرا:

آن کس است اهل بشارت، که اشارت داند

نکته‌ها هست بسی، محرم اسرار کجاست؟

در ذیل، اهمّ موضوعات مطرح در کتاب، تحت عنوان جامع «عناصر محوری تبلیغ

در اندیشه امام خمینی (س)» تقدیم می‌گردد:

اول: اهمیت و ضرورت تبلیغ؛

دوم: هدف از تبلیغ؛

سوم: محورهای تبلیغ؛

چهارم: نقش عنصر «تدریج» در تأثیر تبلیغ؛

پنجم: لزوم اتحاد و هماهنگی در امر تبلیغ؛

ششم: ضرورت توسعه دامنه تبلیغ؛

هفتم: ویژگیهای مبلغان؛

هشتم: وظایف مبلغان؛

نهم: وجوه تبلیغ؛

دهم: مراکز تبلیغ؛

یازدهم: ابزارهای تبلیغ؛

الف) مطبوعات؛

ب) صدا و سیما؛

ج) هنر اسلامی.

### اول: اهمیت و ضرورت تبلیغ

۱. به همان اندازه که ملت شریف ایران برای قطع دست تجاوز طاغوتها از کشور اسلامی خویش و اعاده اسلام عزیز که می‌رفت تا در عصر رژیم منحوس پهلوی محوگشته، و به دست نسیان سپرده شود، سختی جهاد مستمر در طول سالیان متمادی را بر خویش هموار ساخت و با امدادهای غیبی، به این مقصد مقدس نایل گشت، پس از پیروزی نیز باید برای ادامه این نهضت بکوشد و به شکرانه این نعمت خداوندی و عطیة الهی، برای حفظ آن مجاهده نماید. یکی از مهمترین علل و عوامل صیانت از این ودیعه گرانقدر، همانا «تبلیغ» است که به نظر رهبر فقید انقلاب، از اصول بسیار مهم اسلام عزیز محسوب می‌شود و عبارت از شناساندن خوبیها و تشویق به انجام دادن آنها و ترسیم بدیها و نشان دادن راه‌گریز و منع از آن موارد می‌باشد.



۲. از دیدگاه معظم‌له، تبلیغات اسلامی به محض استطاعت، در هر عصری لازم است و جزء امور واجب شمرده می‌شود؛ اما در عصر کنونی که ابزارهای ارتباط و وسایل تبلیغ بیش از صدر اسلام فراهم است و دنیا دستخوش تحولی بزرگ گشته و چونان عائلهٔ واحد، همهٔ اهل خود را در محصورهٔ کوچکی مجتمع کرده است<sup>۱</sup> و تبلیغات در دنیا در رأس همهٔ امور قرار گرفته و آئیهٔ اسلام، به عملکرد «تبلیغات اسلامی» وابسته است، حجت به نصاب تمام رسیده و اهمیت تبلیغ مبانی اسلام و ارائه و معرفی حقیقت آن - چنانکه در آیات و روایات آمده - مضاعف شده است. بدین سبب، امام راحل (س) خدمت دست‌اندرکاران امر تبلیغ را در این زمان، از خدماتی که در طول تاریخ برای اسلام انجام گرفته است، ارزنده‌تر می‌دانند و ضمن بیان میزان اهمیت و ارزش کار آنها، بر مسئولیت سنگین آنان به همان میزان تأکید می‌ورزند و نسبت به حسن انجام آن هشدار می‌دهند.

۳. با آنکه خون پاک شهدا، آبیاری اصل ثابت شجره طیبهٔ حکومت اسلامی را عهده‌دار است و از این حیث بسیار ارزشمند می‌باشد، لیکن زبان گویای عالمان درد آشنا و زیانۀ قلم آنها، در این امر نقش سازنده‌ای دارد و اصولاً شهدا را قلمها می‌سازند و قلمها هستند که شهیدپرورند. از این رو، در نظرگاه حضرت امام (س) انتشار کتابهای مختلف برای ترویج شرع مطهر و تبیین حقایق اسلام و تعمیق آگاهی آحاد ملت - که شعبه‌ای از تبلیغات اسلامی است - از «امور خیریه» بلکه «بهترین خیرات» به شمار آمده و اهمیت آن، دستکم معادل اهمیت خونهای سرخی است که در جبهه‌های جنگ ریخته می‌شود.

۴. همان‌طور که در سایهٔ تبلیغ صحیح، انسان با فطرت خویش آشنا می‌شود و به کوی دانش و بیتش رهنمون می‌گردد، بر اثر تبلیغ سوء و مسموم، از طبیعت خود بیگانه می‌شود و ملاحظه می‌کند که قدرت تفکر و توان تأمل از وی سلب شده است؛ از این رو

۱. حضرت امام (س) این مطلب را در شهریور ماه سال ۱۳۶۲ بیان فرموده‌اند؛ چیزی که هفت سال بعد، یعنی در سال ۱۳۶۹ پس از فروپاشی بلوک شرق، با عنوان «نظریهٔ دهکدهٔ جهانی» رسماً به دنیا معرفی شد. این امر به خوبی نشاندهندهٔ روشن بینی و زمان‌شناسی معظم‌له، بلکه پیش بینی ایشان از تحولات پیچیدهٔ جهانی در عصر انقلاب ارتباطات است.

همان‌گونه که سلاح «صَلاح تبلیغی»، از انواع ساز و برگ مدرن جنگی مؤثرتر و سودمندتر است، حربه «فساد تبلیغی»، از اقسام تجهیزات پیشرفته نظامی، مخزّتر و زیانبارتر خواهد بود؛ زیرا آثار تخریبی اسلحه نظامی، موقتی و گذراست؛ اما نتایج مضرّ ابزار فرهنگی، دائمی و دیرپاست و به نسلهای آینده انتقال می‌یابد. طبق این معیار، امام امت، علت موفقیت نسبی ابرقدرتها را در مشوّه ساختن چهره انقلاب، خلع «سلاح تبلیغ» از صالحان، و مسلح کردن طالحان به این سلاح کارآمد در جهان معاصر دانسته‌اند که این امر، جز قلع و قمع فرهنگ انقلاب اسلامی در دنیا، نتیجه‌ای به دنبال نداشته و نخواهد داشت.

علاوه بر نکات یاد شده، چون شناخت «تبلیغات دشمن» و ابعاد و اهداف آن، در آشنایی با اهمیت تبلیغ و درک ضرورت آن، تأثیر بسزایی دارد، رهبر فقید انقلاب، با تأکید فراوان و به تفصیل بدان پرداخته‌اند که نمونه‌هایی از آن در ذیل ارائه می‌گردد:

اول: نوع انقلابهایی که تاکنون در دنیا روی داده است، یا به علت گرایش به راست، از موافقت این بلوک برخوردار و با مخالفت بلوک چپ مواجه بوده، یا به سبب تمایل به چپ، از حمایت آن بهره‌مند و با دشمنی بلوک راست روبه‌رو بوده است. در این میان، تنها انقلاب اسلامی ایران است که با شعار محوری «نه شرقی - نه غربی»، حرکت بر بستر صراط مستقیم اسلام را برگزیده و به تحقق جمهوری اسلامی بر اساس آن، قیام و اقدام نموده است؛ بنابراین، هم بلوک شرق با آن مخالف است و هم بلوک غرب از دشمنی با آن دریغ نمی‌کند و تمام رسانه‌های خبری دنیا به تبع آنها تصریحاً یا تلویحاً با آن مخالفت، و برای سرکوبی آن، وقت و هزینه صرف می‌کنند. بر این اساس، تاکنون هیچ انقلابی به اندازه انقلاب اسلامی ایران، در مراحل سه‌گانه پیدایش، پیروزی و گسترش، مورد هجوم تسلیحاتی و حمله تبلیغاتی دشمن واقع نشده است.

دوم: با آنکه در طول سالیان متمادی، دشمن - خواه طاغوت قبل از پیروزی انقلاب و خواه مستکبران جهانی پس از پیروزی انقلاب - برای تزلزل یا انهدام بنای مستحکم نهضت اسلامی مردم ایران، از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نکرد و به هر وسیله‌ای تشبّث نمود؛ لیکن چون سلاح تبلیغات، از انواع سلاحهای نظامی کارآتر و کارآمدتر

است، دشمن بیش از هر وسیله و پیش از هر ابزار، از «حربه تبلیغات» بر ضد انقلاب اسلامی بهره برد.

از این رو، لازم است ملت شریف ایران، همواره ضرر تبلیغات سوء ابرقدرتها و خطر زبانها و قلمهای فاسد و مفسد و زهرآگین روشنفکران غربزده را بیش از زیان ناشی از هجوم نظامی دشمن با سلاحهای گرم تلقی نماید و از آن هراسناک باشد.

سوم: چون حجم تبلیغات شوم مستکبران جهانی بر ضد نظام اسلامی، متناسب با میزان شکست آنها در نیل به اهداف خویش است، از این رو هر قدر مخالفت رسانه‌های گروهی وابسته به امپریالیزم خبری با جمهوری اسلامی بیشتر باشد، پیشرفتهای چشمگیر جمهوری اسلامی را در ابعاد گوناگون نشان می‌دهد.

چهارم: از آنجا که «اسلام»، «روحانیت» و «روح خودباوری» (که با استمداد از تعالیم نورانی اسلام، توسط روحانیت متعهد، در کالبدها دمیده می‌شود و مردگان را زنده و خفتگان را بیدار می‌نماید)، از دیرباز از مهمترین موانع دستیابی سهل ابرقدرتهای طاغوتی به مخازن عظیم ممالک اسلامی بوده است و از به یغما بردن خزاین سرشار این سرزمینها و تسلط بر حرث و نسل مسلمانان و غارت و چاول آنها، و خلاصه رسیدن مستکبران جهانی به منافع نامشروع خویش جلوگیری کرده است؛ از این رو تبلیغات دامنه‌دار، اغفالگر، پرسرو صدا و شوم دشمن استعمارگر غرب و شرق، از زمان رضاخان بر اساس مطالعات دقیق کارشناسی و با انواع دسیسه‌ها و نقشه‌های شیطانی در این سه محور اصلی شکل گرفت و در زمان محمدرضا بی‌وقفه تداوم یافت؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با هدایت مداوم و حمایت مستمر مستکبران، رسانه‌های گروهی وابسته به آنان، برای قطع ریشه نهال نوپا و پرثمر نظام جمهوری اسلامی همچنان آن نقشه‌ها را دنبال کردند.

با توجه به موارد فوق، اساس تبلیغات دشمن را بر پایه محورهای سه‌گانه ذیل می‌توان ترسیم کرد:

الف) تبلیغ بر ضد «اسلام»؛

ب) تبلیغ بر ضد «روحانیان آگاه و دردمند»؛

ج) تبلیغ در جهت «استحاله فرهنگی».  
در ذیل نکاتی درباره محورهای یاد شده بیان می‌گردد:

### الف) تبلیغ بر ضد «اسلام»

در این باره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. «اسلام» مانع اصلی مستکبران در رسیدن به اهداف خویش است که دو عامل دیگر (روحانیت متعهد و روح خودباوری)، تنها در پرتو آن تأثیرگذار خواهند بود؛ از این رو، از دیدگاه امام خمینی (س)، هر چند تبلیغات سوء دشمن در سه محور مذکور صورت می‌گیرد، لیکن بازگشت دو محور دیگر نیز به تبلیغ بر ضد «اسلام» خواهد بود. ایشان معتقدند: سرّ اینکه ابرقدرتها و رسانه‌های مزدور آنها، از جمهوری اسلامی وحشتزده شده، و با انواع دروغ، تهمت و افترا به آن می‌تازند، آن است که ایران، «اسلام» را خواسته و در صدد معرفی فرهنگ اسلامی به عالم است؛ و فطرت سالم و تشنه جوامع انسانی نیز مشتاقانه پذیرای این آب حیات است و این امر، توسعه دامنۀ موج اسلامخواهی و فتح پی‌درپی ممالک و در نهایت، شکست و افتقار مستکبران را در دنیا به دنبال خواهد داشت.

بنابراین، آنها با ایران و ایرانی مخالفتی ندارند و بر ضد فرد خاص یا گروه مخصوصی به هجمه تبلیغی نمی‌پردازند؛ بلکه «اسلام» را برای منافع نامشروع خویش مضر می‌دانند و اگر ایران نیز به اسلام، اقبالی نشان نمی‌داد، هرگز بر ضد آن تبلیغ نمی‌کردند.

غرض آنکه به باور امام امت، تنها عاملی که باعث شکست سنگین و تاریخی استعمارگران و مستکبران در ایران اسلامی گردید، «قدرت شکست‌ناپذیر اسلام» بود که در صورت عدم آن، دولت و ملت ایران حتی یک روز هم توان ادامه حیات نداشت و اصولاً نهضت مردمی هیچ‌گاه به ثمر نمی‌نشست؛ و آنچه پس از پیروزی نیز در مقابل تبلیغات گسترده بیگانگان مایه دلگرمی امت اسلامی است، تأییدات خداوند سبحان است که هر قدرتی، مظهر قدرت مطلق آن ذات مقدس است.

خلاصه از آنجا که قدرت اسلام بر همه قدرتها برتری دارد و هرگز اجازه نمی دهد هیچ قدرت باطلی بر مسلمانان تحمیل شود، استعمار پیشین و استکبار نوین، تمام توان تبلیغی خویش را به کار گرفتند تا برای قطع ریشه اسلام، آن را با چهره‌ای کریه، زننده و بد منظر به دنیا معرفی کنند و بین توده مردم بویزه نسل جوان و معارف ارجمند و قواعد سودمند اسلام، فاصله عمیق ایجاد نمایند و به انحطاط دین از جایگاه بلندی که در نظر مسلمانان دارد پردازند و منطبق برتر آن را شکسته و ضعیف جلوه دهند و موجب انفصال و انفکاک مسلمانان از آن شوند.

۲. با آنکه از نظر امام راحل، پذیرش یک عقیده که کاملاً واضح و روشن نیست، قبل از جستجوی دلیل آن، مایه خروج از فطرت انسانی است - که چیزی را بی دلیل نمی پذیرد - لیکن چنانکه در بحث «اهمیت تبلیغ» گذشت، تأثیر سوء تبلیغات مسموم را نیز نمی توان نادیده انگاشت؛ از این رو حضرت امام بر این باورند که «اسلام عزیز در چند دهه اخیر، بیشترین صدمه را از دستگاههای تبلیغی استعماری و رسانه‌های استکباری متحمل گردیده است» و سر مخالفت عده‌ای از مخالفان را با اسلام در این می دانند که «آنها اسلام را نشناخته‌اند و آنچه از اسلام شنیده‌اند، از تبلیغات غلط و انحرافی بوده است، لذا به سایر مکاتب پناه برده‌اند» و معتقدند این عده با محقق شدن اسلام، آن را پذیرا می شوند و به آغوش آن باز می گردند.

اکنون برای آنکه گوشه‌ای از مظلومیت اسلام و غربت انقلاب اسلامی، که از تبلیغات اغفالگرانه مستکبران جهانی ناشی شده است و حضرت امام نیز بارها به آن اشاره و تأکید کرده‌اند، روشن گردد؛ به برخی از ابعاد تبلیغ قدرتهای استکباری برای جدایی مردم از اسلام و انزجار اقشار ملت از حکومت اسلامی، اشاره می شود؛ تبلیغاتی نظیر این موارد:

- اسلام یک دین ارتجاعی، طریقه عقب افتاده و کهنه شده و مخالف عقلانیت، تجدد، نوآوری و هرگونه مظاهر تمدن است که هیچ کس زیر بار آن نمی رود.

- احکام اسلام متعلق به ۱۴۰۰ سال پیش است؛ اما اکنون که کشور مترقی شده است، قوانین اسلام برای آن کافی نیست و این دین نمی تواند خواسته‌های ملل را اشباع

و امور جامعه را اداره و نیازهای مردم را برآورده کند.

- اسلام، مکتبی ملایم و منحصر به رابطه بین خلق و خالق است که انسان را خانه‌نشین می‌کند و به دیر و خرابات فرا می‌خواند و فاقد برنامه و تشکیلات حکومتی است و بر فرض داشتن برنامه، مجری ندارد؛ بلکه فقط قانونگذار است.

- دین، عامل افیون توده‌ها و تخدیر مردم است تا زمینه تسلط قدرتمندان بر جامعه و غارت سلاطین چپاولگر فراهم گردد.

- همه بدبختیها از اسلام است.

- برای احیای فرهنگ ایران باستان، باید از «اسلام» و فرهنگ اسلامی گریخت.

- اسلام و دیگر ادیان الهی با معنویات و تهذیب نفوس و تحذیر از مقامات دنیایی و دعوت به ترک دنیا و اشتغال به عبادات، اذکار و ادعیه - که انسان را به خداوند نزدیک و از دنیا دور می‌کند - سروکار دارد در حکومت و سیاست و سررشته‌داری که برای تعمیر دنیاست، برخلاف آن مقصد و مقصود بزرگ و معنوی، و مخالف مسلک انبیای عظام است.

موارد قوق و نمونه‌های فراوان از این دست، نتیجه‌ای جز دفن اسلام در حجره‌ها، کتابخانه‌ها، مدارس و مساجد مانند حبس مسیحیت در کلیساها نخواهد داشت، چنانکه با کمال تأسف، سالیان متمادی اینچنین بود و این تبلیغات انحرافی، حتی در بعضی روحانیان و متدینان بیخیر از اسلام نیز تأثیر گذاشته بود که دخالت در حکومت و سیاست را به مثابه یک گناه و فسق می‌دانستند و این فاجعه بزرگی است که اسلام مدتها بدان مبتلا بود.

این در حالی است که اصولاً اساس اسلام از «سیاست» است و قواعد سیاسی و اجتماعی اسلام بسی بیش از مسائل عبادی آن است و سند گویای این مطلب، کتب فقهی اسلام می‌باشد که مشحون از مسائل سیاسی و احکام اجتماعی است و اساساً قطع ایادی ستمگران و برچیدن طومار تنگین استبداد و استعمار، از مقاصد اصیل اسلامی محسوب می‌شود و قرآن، کتاب آسمانی مسلمانان، کتاب سلحشوری، جنگجویی و نبرد در مقابل مشرکان قدرتمند است و هرگز سلطه غیر مسلمانان را بر مسلمین امضا نکرده است.

بدین سبب، امروزه اسلام به صورت یک مکتب مترقی که قوانین آسمانی آن برای تأمین تمام شئون زندگی از مبدأ وحی نازل شده و قادر است تمامی نیازهای بشر را رفع و مشکلات او را حل کند، مورد توجه مسلمانان جهان عموماً و امت ایران اسلامی خصوصاً قرار گرفته و خواهان مملکتی آزاد، مستقل و متمدن است، چنانکه خود دانشمندان اروپایی نیز معترفند که «تمدن اسلام مقدم بر سایر تمدنهاست».

ترسیم چهره‌ای مخدوش از اسلام راستین، نشاندهدنده بغض وافر و کینه فراوانی است که مستکبران جهانی پس از شکست تاریخی خود از اسلام در قرن اخیر، در دل می‌پروراند و بر زبان جاری می‌سازند، چه اینکه بیانگر مظلومیت و غربت اسلام در جهان معاصر است.

از سوی دیگر، به دلیل آنکه اجرای احکام اسلامی و حدود الهی جز در سایه «حکومت اسلامی» میسر نیست؛ ارائه تصویر نامطلوب و کراهت‌بار از آن در ذهن افشار و اصناف مختلف مردم؛ از قبیل زنان، نظامیان، اقلیتهای مذهبی، گردها و... همواره مورد اهتمام قدرتهای افزون‌طلب جهانی بوده است که به منظور نشان دادن اهمیت آن، به بخشی از این تبلیغات اشاره می‌شود:

- اگر اسلام پیاده شود، زنها باید خانه‌نشین شوند و در منزل خود را قفل کنند و هرگز از آنجا بیرون نیایند.

- در صورت پیروزی انقلاب اسلامی، انقلابیها نظام ارتش را برهم خواهند زد.

- اگر حکومت اسلامی تشکیل شود، اقلیتهای مذهبی قتل‌عام خواهند شد.

- در حکومت اسلامی، اقلیتهای مذهبی آزادی ندارند و به‌خاطر عقیده خود زندانی می‌شوند.

- حکومت اسلامی، مخالف وجود گردهاست.

- اسلام، دیکتاتوری دوم است و نظام جمهوری اسلامی، مانند نظام دیکتاتوری هیتلری یا حتی بدتر از آن است.

- ایران یک کشور وحشتناک، جنایتکار و غیرمتمدن است و بسان جنگلی است که در آن دولت و ملتی وحشی جمع شده‌اند و جان و مال مردم را غارت می‌کنند و زنان آبستن

را در خیابانها می‌کشند، آنگاه عده‌ای، کشتگان و اعدام شدگان را از زیر خاک بیرون می‌آورند و بدن آنها را تکه تکه می‌کنند.

- مردم در ایران از آزادی محرومند، پاسدارها بچه‌ها را در خیابان به توپ و تفنگ می‌بندند و جان مردم در معرض خطر است. اختناقی که در ایران حاکم است، در هیچ جای دنیا نیست. جنایات، بازداشتها، شکنجه‌ها، کشتارهای بدون محاکمه، تهدید، اذیت و آزار مردم در کوی و برزن، حضور اجباری و با تهدید در نماز جمعه و در یک کلام، استبداد و فاشیسم در ایران غوغا می‌کند.

- جمهوری اسلامی هم هیچ کاری برای مردم انجام نداد. بیچاره مردم با آن شوق و شعف فداکاری کردند که از رژیم ظالمانه طاغوت رهایی یابند، گرفتار یک رژیم بدتر شدند؛ مستکبران مستکبرتر و مستضعفان مستضعفتر شدند؛ زندانها پر از جوانانی است که امید آتیه کشورند و شکنجه‌ها از رژیم سابق بدتر و غیرانسانیت‌تر است؛ هر روز عده‌ای را به نام اسلام اعدام می‌کنند و ای کاش اسم اسلام روی این جمهوری نمی‌گذاشتند؛ این زمان از زمان رضاخان و پسرش بدتر است؛ مردم در رنج و زحمت و گرانی سرسام‌آور غوطه می‌خورند و سردمداران رژیم، کشور را به سوی رژیمی کمونیستی هدایت می‌کنند؛ اموال مردم مصادره می‌شود و آزادی در هر زمینه‌ای از ملت سلب شده است.

- در ایران حقوق بشر نقض می‌شود و حکومت اسلامی مشغول «تروریست‌پروری» است.

و دهها نمونه مشابه آن.

حضرت امام این تهمتهای ناروا را به تفصیل پاسخ داده‌اند که چکیده آنها در ذیل می‌آید:

- اسلام دست زنان را گرفته و به آنها قدرت داده است؛ در صورتی که پیش از ظهور اسلام و بعثت پیامبر اکرم (ص)، حقوق زنهای پایمال می‌شد. گرچه در اسلام، برخی احکام، خاص مردان است که متناسب با آنهاست و بعضی احکام، مخصوص زنان است که هماهنگ با آنان است؛ لیکن این بدان معنا نیست که اسلام بین زن و مرد تفاوت مرتبه



قائل است؛ بلکه این دو در بسیاری از امور مساوی‌اند و هر دو آزاد.

- اسلام برای تمام اقشار بشر احترام قائل است و به اقلیت‌های مذهبی نیز مانند دیگر گروه‌ها، حرمت نهاده و رفاه آنها را تأمین می‌کند؛ مگر خرابکاران که سهل‌انگاری در برابر آنان روا نیست. کشور اسلام متعلق به همه است و در آن، بین شیعه و سنی ابداً تفرقه نیست.

- اسلام برای اثبات حقانیت خویش، مسلح به دلیل باهر و حجّت قاطع است و با منطق وحی پیش می‌رود، از این‌رو حکومت مبتنی بر اسلام نیز هرگز محتاج توسل به زور، ارباب، تهدید، ترور و مانند آن نخواهد بود.

- با مقایسه‌ای بین زندگی شرافتمندانه و ارزنده ملت ایران پس از پیروزی انقلاب و بین نوکر مآبی، ثناخوانی و مباحی جرثومه‌های فساد و اعلام ظلم و فحشا، به گوشه‌ای از رهاورد نظام جمهوری اسلامی در مدت کوتاه عمر آن می‌توان پی برد. در این زمینه، مسئولان کشور موظفند خدمات خود را برای خدا و به عنوان ادای تکلیف الهی، نه خودنمایی - که از اول شکست را در پی خواهد داشت - برای مردم بازگو و از عملکرد جمهوری اسلامی دفاع نمایند.

نکته مهم آنکه، به لطف الهی علی‌رغم تبلیغات سوئی که گوشه‌ای از آن بیان شد، محرومان و ستم‌دیدگان دنیا، که از شائبه وابستگی به دولتها منزّهند، با اسلام و جمهوری اسلامی همراهند؛ و بالاخره اسلام عزیز راه خود را باز کرده، و چهره دلپذیر و سیمای دلربای خویش را به جهانیان ارائه می‌دهد و قافله مسلمانان را همچنان رو به پیش خواهد بُرد.

### ب) تبلیغ بر ضد «روحانیت آگاه و درد آشنا»

با توجه به جایگاه روحانیان در پیشبرد اهداف «اسلام» می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. از این حیث که روحانیان روشن‌بین، زمان‌شناس، دردمند و دلسوخته از دیرباز سخنگو، مروج و خدمتگزار راستین و اصیل اسلام و پاسدار مرزهای فرهنگ اسلامی و پیشتاز نهضت‌های اسلامی بوده‌اند و مظهر قدرت شکست‌ناپذیر اسلام محسوب

می‌شوند؛ اولین هدف «رضاخان» دست‌نشانده رسمی استعمار انگلیس در ایران، پس از رسیدن به قدرت، منزوی کردن روحانیت و به انحطاط کشاندن آنان بود؛ چنانکه تبلیغات منفی وی، سبب شد بتدریج خود ملت در برابر آنها بایستد. از زمانی که رضاشاه به دستور و یاری استعمار پیر بریتانیا با کودتا به قدرت دست یافت، به دلیل آنکه افراد آشنا با اهداف، اغراض و برنامه‌های وی - که در ضمن از قدرت درک کافی برخوردار بودند - مردم را آگاه و بیدار نساختند و چهره واقعی او را، که در زیر اعمال ریاکارانه وی پنهان بود، آشکار نکردند و آن را به ملت نشان ندادند، او نیز بتدریج پایگاه‌های مذهبی، تکیه‌ها، مجالس و عظ و خطابه را تعطیل کرد و کنار گذاشتن روحانیان از صحنه را وجهه همت خویش قرار داد و متأسفانه توفیق زیادی نیز در این مسیر به دست آورد.

۲. با اینکه در طول صد سال اخیر، روحانیت شیعه به تبعیت از رسول خدا (ص) - که مأموریت بیداری توده‌های محروم، فقیر و مستضعف بر ضد قدرتمندان افزون‌خواه و مستکبران تمامت‌طلب را عهده‌دار بود - همواره با قدرتهای شیطانی مخالفت کرده و بر ضد سلاطین دست به جنبش زده و با منبر و مخرب در برابر توپ و تانک، از خود ایستادگی و پایداری نشان داده‌اند که جنبش تنباکو و نهضت مشروطه و قیام علمای آذربایجان، خراسان و اصفهان، گواه آشکار این مدعاست؛ در مدت زمان حکومت تباه و سیطره سیاه این پدر و پسر که به تعبیر امام راحل، خیانتها و جنایتهای آنها روی تاریخ را سیاه کرده است؛ روحانیان عناصری: مرتجع، فئاتیک و کهنه‌پرست، عقب‌افتاده، فاقد شعور سیاسی، افیون ملت، مخدر توده‌ها، دست‌نشانده استعمار، درباری، طرفدار دولتها، خادم سرمایه‌داران و شاهان، انسانهای تنبل و مفتخور، طالب حفظ سلطنت و مانع پیشرفت کشور و... معرفی شدند و از هیچ اقدام شیطانی به منظور طرد، ذم، سب، شتم، طعن و لعن آنان و بدبین کردن مردم مخصوصاً جوانان به این طبقه کوتاهی نشد تا جایی که این امر در سروده‌های بعضی شاعران نیز جلوه کرد:

«تا که آخوند و قجر زنده در ایرانند این ننگ را کشور دارا به کجا خواهد برد؟»  
استعمارگران که از قدرت روحانیون پشتاز و سرافراز - که از قدرت بلامنازع اسلام

برخاسته است - در بسیج مردم و ایجاد اتحاد بین اقشار در محراب و منبر برای قیام برضد رژیم کاملاً آگاهی داشتند، با طرح و تبلیغ این معنا که: «دخالت در سیاست در شأن روحانیان نیست؛ بلکه کار آنها همان نماز جماعت، درس و بحث و مسأله‌گویی است»، کوشیدند علما را در چهارچوب مسائل عبادی، محدود و ائمه جماعات را در مساجد و محافل عقد و ازدواج محصور و طلاب و فضلا را در مدارس علمیه محبوس کنند؛ و پس از آنکه با ناکامی روبه‌رو شدند و طعم تلخ شکست را در کام خود چشیدند و ناباورانه پیروزی انقلاب اسلامی را مشاهده کردند، با اتهاماتی نظیر «دیکتاتوری عمامه» و القای کینه و دشمنی و اختلاف بین متفکران حوزه و اندیشمندان دانشگاه و ادعای این مطلب که: «ایران بر سر قدرت، در تب و تاب است و روحانیان بر سر گرفتن زمام امور صف‌بندی می‌کنند و ایران پس از خمینی در آتیه نزدیک به اغتشاش کشیده می‌شود» و مواردی مانند آن، اهداف پلید خود را همچنان تعقیب نمودند.

### ج) تبلیغ در جهت «استحاله فرهنگی» با ایجاد فرهنگ وابسته و امحای فرهنگ مستقل

گرچه وجود مکتب نورانی و تعالیم حیات‌بخش اسلام و روحانیت دل‌باخته و دلسوخته به منظور تحقق قیام عمومی برای نابودی بنیان سست و فرسوده استعمار و طاغوت مولود آن، لازم است؛ ولی علت تأمه دگرگونی نیست؛ بلکه می‌بایست با «تربیت نیروی انسانی» که در سایه ایجاد و تقویت فرهنگ مستقل با ارسال پیام دلنواز اسلام با پیامبری روحانیان به گوش جان توده‌ها مخصوصاً جوانان غیور و سلحشور صورت می‌گیرد - رکن سوم انقلاب نیز تحقق یابد.

با عنایت به این نکته، دولتهای استعمارگر در مدت زمانی طولانی با تبلیغات میان‌تهی و ترویج «بیهوده‌روشی»، فساد، فحشا، خوشگذرانی و عیاشی از طریق انتشار مجلات مفسد حاوی مقالات مفتضح و عکسهای مهیج و مهوع و با رسانه‌های سمعی و بصری مخرب؛ از قبیل رادیو و تلویزیون، مطبوعات، سینما و تئاتر که ابزار مؤثر تباهی و تخدیر محسوب می‌شد - و با تضعیف مراکز تعلیم و تربیت، و تقویت مراکز فساد و مرادف

دانستن تجدد با بی بندوباری و معطوف کردن تمام افکار، آمال و مقاصد جوانان به مسائل شهوی و امیال حیوانی که اینهمه در قالب عنوانهای پوچ و فریبنده‌ای چون: «تمدن بزرگ»، «آریامهر» و مانند آن صورت می‌گرفت، سعی کردند افکار نسل جوان را - که ذخایر فوق‌الارضی و سرمایه انسانی میهن، عضو لطیف وطن و فرزندان رشید آیین اسلامند و چشم امید ملت به آنها دوخته شده است و باید چنان قوی و نیرومند تربیت شوند که آماده هرگونه فداکاری برای نجات کشور خود باشند - مسموم سازند و از هر سو، با تمام توان با تزکیه و تربیت صحیح و رشد انسانی آنها، با جدیت مبارزه و جوانی آنان را در گورستان امیال حیوانی و اهوای نفسانی دفن کنند و آنها را در دام جنایتکاران اسیر کنند و بازبچه دست ابرقدرتهای سلطه‌گر قرار دهند.

علاوه بر این موارد، آنها با روتق بخشیدن به بازار کالاهای تجملی، تزیینی و لوکس و رواج دادن فرهنگ «قلید از غرب» در استفاده از نوشیدنیها و پوشیدنیها و شکل آنها و ترویج فرنگی مآبی در تمام شئون زندگی از رفتار و گفتار و نوشتار و آداب معاشرت و حتی کیفیت تکلم، و با تزریق باورهای غلط و القای پندارهای باطلی چون:

- ارزشهای انسانی، به هرچه بیشتر اروپایی و فرنگی شدن است.

- ترقی کشورهای ضعیف در گرو گرایش به یکی از دو ابرقدرت شرق و غرب است.

- علم و تمدن و پیشرفت، مختص به دو جناح امپریالیزم و کمونیزم است، غریبها و

امریکاییان نژاد برترند و ترقی آنها در اثر والانزادی آنان است، پس کوشش برای پیشرفت، بیفایده است.

- ابرقدرتها آسیب‌ناپذیرند و نفسها را در حنجره خفه می‌کنند.

و صدها خرافه نظیر آنها، جوانان ما را به آغوش غرب و دامن غریزندگان غلتانند و آنها را از درون، تهی و هویت مستقل و حیثیت ملی آنان را سلب کردند و به شستشوی مغزی و جایگزینی شخصیت بیگانه به جای خودی در نهاد و نهان جوانان پرداختند و از رهگذر اغفال و تخدیر طبقه جوان و حصر آنها در عیش و نوش، نسل برومند جوان را به سرنوشت خود و مقدرات کشور خویش بی‌اعتنا کردند و آنان را از مسیر عادی زندگی، کار، صنعت، تولید و کسب دانش، به بیراهه بیخبری از خویش و بدبینی و بدگمانی به

فرهنگ و ادب و مآثر پرارزش کشور خود و تمدن پیشرو اسلام - که با دست جنایتکار سودجویان، به کتابخانه‌ها و موزه‌های غرب و شرق منتقل گردید - منحرف ساختند و از حضور در صحنهٔ امور اجتماعی و سیاسی و اهتمام به امور مسلمانان و رفع گرفتاریهای بلاد اسلامی باز داشتند و خود مشغول چپاول منابع، تصاحب خزاین و غارت مخازن کشور و بهره‌گیری نامشروع از آنها شدند؛ بدون آنکه کوچکترین مانعی در برابر خیانتها و جنایتهای خود ببینند.

هر چند به تعبیر امام امت، جبران این «شکست روحی» که همانا ایجاد و تقویت «روح خودباختگی» و تضعیف و محو کردن «روح خودباوری» در جامعهٔ جوان ایران بود و بالاترین شکست محسوب می‌شد، گذشت زمان طولانی و بذل جدّ و جهد فراوان طلب می‌کند تا ما باور کنیم که خود دارای یک فرهنگ بزرگ انسانی با ارزشهای اسلامی هستیم؛ لیکن واقعهٔ عظیم «انقلاب اسلامی» که با تحقق آن، ملت ایران مخصوصاً جوانان تشنه‌کام، از سرچشمهٔ زلال دین، با مستقیم روحانیان بیدار، سیراب شدند؛ نقش بارز و سهم شایانی در تجدید بنای فرهنگ مستقل و تحریب ساختار فرهنگ وابسته داشت و سکوت مرگباری را که به دلیل بزرگ و شکست‌ناپذیر جلوه دادن قدرتهای خارجی بر ملت ما سایه افکنده و پرده انداخته بود، شکست؛ و ظلمت یأس ملت از قدرت اسلام و تاریکی ناامیدی از ایستادگی در برابر ابرقدرتها را به «نور امید» مبدّل ساخته است که آثار و برکات آن تاکنون چشمگیر بوده است و ان شاء الله تا فتح سنگرهای کلیدی جهان و استقرار پرچم «لا اله الا الله» بر قله‌های رفیع گیتی ادامه خواهد یافت.

و اما نکتهٔ مهمی که این بخش با ذکر آن به پایان می‌رسد، اشاره به برخی «پیامدهای سوء و عواقب ناگوار قصور یا تقصیر در امر تبلیغ» است که باید آنها را شناخت و از آنها بتوان پیشگیری کرد و آن این است که یکی از عوامل مؤثر در «استمرار حق» و استقرار نظام مبتنی بر آن، توانمندی آن نظام در تمام حوزهٔ نفوذ خویش است تا در پرتو آن، از حقانیت خود دفاع کند و باطل را از قلمرو سیطرهٔ خود براند و از آن پس، در صدد توسعهٔ شعاع وجودی خویش باشد.

با توجه به اینکه پایگاه حق، زمین و آسمان نیست و در جغرافیای طبیعی نمی‌گنجد؛

بلکه دلهای حق‌طلبان، دارالقرار حق است، دوام و استمرار حق، در گرو رسیدن پیام آن به گوش جان حق‌جویان خواهد بود و البته هنگامی که تشنگان حق، گم‌شده خود را یافتند و ندای پیامبر حق را - که با گوش دلهای آنان آشناست - شنیدند و بدان پاسخ مثبت دادند، برای احقاق حق و ابطال باطل، از بذل هیچ نفس و نفیسی دریغ نخواهند ورزید.

بنابراین، اگر حق در بازار انسانی از عرضه متاع گرانسنگ خود ناتوان شود، از دوام و استمرار، بی‌بهره یا کم‌نصیب خواهد بود چه رسد به آنکه موفق شود حوزه اشراق خویش را گسترش دهد؛ زیرا در این صورت، طالحان کالای باطل خود را در کسوت حق، و متاع گرانقدر صالحان را در جامه باطل جلوه‌گر می‌سازند و طالبان حق و مشتاقان حقیقت را فریب می‌دهند. امام امت در این باره فرموده‌اند: «چه مصیبت بار و غم‌انگیز است که مسلمانان متاعی دارند که از صدر عالم تا نهایت آن نظیر ندارد؛ [اما] نتوانسته‌اند این گوهر گرانبها را که هر انسانی به فطرت آزاد خود، طالب آن است، عرضه کنند؛ بلکه خود نیز از آن غافل و به آن جاهل و گاهی از آن فراری‌اند»<sup>۱</sup>.

ایشان از ضعف جبهه حق در ارائه صدق و قوت جناح باطل در اشاعه کذب و استفاده ناروای تبهکاران جهانی از «سلاح تبلیغ» شدیداً اظهار تأسف نموده، آن را علت موفقیت نسبی ابرقدرتها در مشوه ساختن سیمای نورانی و مشعشع انقلاب اسلامی پس از پیروزی ارزیابی می‌کنند و از کاستی در تبلیغات خارجی، مخصوصاً در جهت اثبات مظلومیت ملت ایران به دنیا در جنگ تحمیلی هشت ساله، و رفع اتهام «جنگ‌طلبی» از ایران اسلامی و عدم استفاده به‌موقع و مناسب از اجتماعات اسلامی کوچک و بزرگ در این زمینه، انتقاد خود را به‌طور صریح ابراز و بر رفع این نقایص تأکید می‌نمایند.

## دوم: هدف از تبلیغ

هدف از تبلیغ در دو مقطع قابل بحث و بررسی است:

الف) پیش از تشکیل حکومت اسلامی

از آنجا که ایجاد یک موج تبلیغاتی در جامعه با صبغه فکری و فرهنگی و تشکیل مجامع دینی برای بازگو کردن مصالح و مفاسد مسلمانان، بیداری و آگاهی آنان، فعالیت و وظیفه‌شناسی توده‌های دیندار و ترویج فرهنگ مستقل و پدید آمدن یک جریان اجتماعی مبتنی بر آن را در پی خواهد داشت که این جریان پس از تشکیل، به صورت نیرویی عظیم درمی‌آید و به دست توانای سلحشوران توانمند و رادمردان غیرتمند و جوانمردان بلندهمت، حیات ننگین طاغیان لثیم را تهدید می‌کند؛ به نظر شریف امام راحل، «تبلیغ» اولین قدم فعالیت در راه تشکیل حکومت اسلامی است.

ب) پس از تشکیل حکومت اسلامی

در این مقطع، هدف تبلیغ از دیدگاه بنیانگذار جمهوری اسلامی، همانا ارائه چهره نورانی اسلام به جهانیان و عرضه این متاع بی‌نظیر از صدر عالم تا نهایت آن به جامعه بشری و در یک کلام، «صدور اسلام» به صدور اسلام خواهان از کران تا کران کره ارض است که اگر سیمای دلپذیر دین با آن جمال جمیل از زیر نقاب مخالفان و کج فهمی دوستان نمایان شود، فطرت سالم و آزاد بشر، مشتاقانه پذیرای آن خواهد بود و بدان روی خواهد آورد؛ اسلام جهانگیر خواهد شد و پرچم پراهنخار آن از کرانه شرق تا کرانه غرب گیتی در همه جا به اهتزاز در خواهد آمد و احکام و قوانین متعالی آن، ارمغان حیات توأم با عزت، آزادی، آزادگی، استقلال و کرامت انسانی در پرتو وحی را به سرتاسر جهان خواهد بخشید؛ و از این رهگذر، مخالفان اسلام، که به دلیل عدم معرفی صحیح آن و تحدید اسلام به «رابطه فردی انسان با خدا» و تنزیه دین از حضور در «صحنه سیاست» به اسلام نظر منفی پیدا کرده و از آن رویگردان شده‌اند و به سایر مکاتب پناه برده‌اند، به آغوش اسلام باز خواهند گشت.

یکی از خصایص فکری حضرت امام آن است که ایشان با عنایت ویژه به ضرورت امر تبلیغ و تأثیر شگرف آن در گسترش حوزه محاذات با شعاع شمس فروزان دین، برخلاف فتوای مشهور فقها، که به حرمت فروش قرآن و در اختیار کفار قرار دادن آن حکم داده‌اند، این عمل را برای تبلیغ دین و ترویج مکتب اسلام و هدایت دیگران لازم می‌دانند؛ و در ضمن رد دلایل کسانی که به حرمت آن اعتقاد دارند، به سیره

نبی اکرم (ص) در نگارش آیات قرآن در نامه‌های خود به غیرمسلمانان استشهاد می‌کنند و اعتقاد به لزوم حفظ قرآن کریم و دیگر مقدسات را به منظور عدم دسترسی کافران به آن، مخالف «مذاق شارع» که تبلیغ اسلام و توسعه دایره اجرای احکام آن و هدایت مردم را به هر وسیله ممکن لازم می‌شمرد، می‌دانند.<sup>۱</sup>

نکته مهم آنکه با معرفی و عرضه صحیح اسلام به دنیا و آشنا کردن جهانیان با احکام مترقی و قوانین متعالی آن، از مکدر شدن چهره جمهوری اسلامی - که بر اساس اسلام و برای اجرای احکام آن تأسیس شده است - نیز جلوگیری و خدمات آن تبیین خواهد شد و اسلام و انقلاب اسلامی از مظلومیت و غربت به در خواهد آمد و به مدد تبلیغ، انگیزه‌های انقلاب اسلامی - که از حیث محتوا، بهترین و بزرگترین انقلابها بوده است - برای دنیای خارج تشریح می‌شود و مقصد و مقصودی که ملت ایران از تأسیس جمهوری اسلامی دنبال می‌کند تبیین می‌گردد تا مستضعفان جهان، از مصایب ناشی از سلطه مستکبران جهانی آگاه شوند و با دردها و راه درمان آنها آشنا گردند و در صدد اخذ الگو از جمهوری اسلامی ایران برآیند.

با تبلیغ صحیح، آنها درخواست خواهند یافت که تا جهان به درد جنایتکاران مستکبر و وابستگان آنها مبتلاست، احدی روی خوش نخواهد دید و راه درمان این درد و حل مشکلات جهان اسلام و ممالک اسلامی، بلکه تمامی مستضعفان و محرومان دریند، «وحدت امتها» است و وحدت در گرو «اراده ملتها» است که در صورت تحقق، هیچ‌کس قادر نخواهد بود چیزی را بر آنها تحمیل کند، و اراده در رهن «بیداری توده‌ها»ی تحت ستم است.

بنابراین، باید با گذاشتن قلم و برداشتن قدم به روشنگری پرداخت و ملتها را بیدار کرد تا اراده کنند؛ و اراده‌های آنان را انسجام داد و هماهنگی بخشید تا متحد شوند و در پرتو اتحاد، ریشه فساد و ستم را بسوزانند و نهال صلاح و عدل را غرس و آبیاری و از آن پاسداری کنند تا جهان بشریت، همواره از ثمرات آن بهره‌مند گردد.



## سوم: محورهای تبلیغ

تبلیغات اسلامی بر محورهای ذیل مبتنی است:

۱. چون «معنویات» اساس اسلام است، تبلیغات اسلامی نیز باید بر اساس معنویات و کاهش تشریفات طراحی و اجرا شود، از این رو امام خمینی (س) سفیران و کارمندان سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی در خارج از کشور را شرعاً و عقلاً به رعایت ساده‌زیستی و پرهیز از صرف مخارج هنگفت و برگزاری مهمانیهای طاغوتی - که پیش از انقلاب، برخلاف اخلاق اسلامی در سفارتخانه‌ها رواج داشت - موظف می‌دانند و به آنان چنین توصیه می‌کنند: «خوف اینکه ما اگر ساده رفتار کنیم... در نظر آنها تحقیر می‌شویم، این خوف را در خودتان راه ندهید؛ بلکه شما با عملتان تحقیر کنید آنطور بناها و بنیادهای ظلم و طاغوتی را»<sup>۱</sup>.

از منظر امام فقید، مراعات سادگی در سفارتخانه‌ها سبب می‌شود تا هرکس به آنجا مراجعه کرد، اسلام را «عملاً» بیعت و بدان گرایش یابد، و صدور انقلاب اسلامی در گرو آن است که ما علاوه بر گفتار، در رفتار خویش اسلامی باشیم و گذشته از قول، در عمل نیز از سیره طاغوتیان پرهیزیم.

۲. «حکومت اسلامی» گوهر دین را از گزند آسیبهای بیرونی و آفات درونی محافظت و دوام و بقای آن را تضمین می‌کند و از همین رو، دین‌گريزان و دین‌ستیزان با تحدید مرز دین به قلمرو «رابطه انسان با خدا» و منحصر کردن آن به ادعیه و اذکار، تلاش می‌کنند پایه‌های فکری و ارکان قویم نظام حکومتی اسلام را تهدید کنند - که بحث آن به‌طور مبسوط ذکر شد - به این دلیل، امام امت با آنکه تبلیغ و تعلیم مجموعه عقاید، معارف، احکام، قوانین و نظامات اسلام را لازم و به نوبه خود سودمند می‌دانند؛ لیکن تبیین مسائل سیاسی، احکام اقتصادی و نظام حقوقی اسلام را مهمتر از آموزش مسائل عبادی و جنبه‌های فردی می‌دانند و بر بیان همه شئون اسلام و عرضه همه ابعاد آن با اولویت تبلیغ «سیاسات اسلامی» اصرار می‌ورزند؛ بنابراین از نظر معظم‌له، در عصر حاضر می‌بایست با توجه به این محور، به امر تبلیغ اهتمام ورزید.

### چهارم، نقش عنصر «تدریج» در تأثیر تبلیغ

چنانکه از تعریف تبلیغ - که به بیان حضرت امام «شناساندن خوبیها و تشویق به انجام آن، و ترسیم بدیها و نشان دادن راه گریز و منع از آن» است - برمی آید، عنصر «تدریج» در نهاد امر تبلیغ، مأخوذ است؛ از این رو تأثیر تبلیغ شامل دو مرحله: تخلیه از ردایل و تحلیه به فضایل یا پیراستگی از بدیها و آراستگی به خوبیها خواهد بود.

چون مرحله دوم بدون تحقق مرحله نخست ممکن نیست و هر کدام از مراحل نیز بتدریج و در بستر زمان حاصل خواهد شد، تبلیغ صحیح نیز می‌بایست دارای نظام خاص و سازمان مخصوص باشد تا تأثیر آن به مرور زمان به منصفه ظهور برسد؛ و به‌طور قطع انتظار تأثیر دفعی و خلق الساعه از تبلیغ، نارواست و تعجیل و شتابزدگی در این امر، ناصواب خواهد بود و حتی ممکن است موجب بروز نتایج نامطلوب - که با هدف تبلیغ ناسازگار است - نیز گردد. اشاره به این معنا در بسیاری از بیانات امام راحل تصریحاً یا تلویحاً به چشم می‌خورد و گاه نیز از فحوای کلام معظم‌له استشمام می‌شود.

### پنجم: لزوم اتحاد و هماهنگی در تبلیغ

بدان سبب که موفقیت در هر فعالیت جمعی و نیل به هدفهای آن، منوط به «وحدت کلمه» است و تفرقه و تشتت، جز ناکامی دوستان و کامیابی دشمنان و در نهایت شکست قطعی، نتیجه‌ای به دنبال نخواهد داشت و از سوی دیگر، وحدت کلمه جز در سایه «کلمه توحید» تحقق نخواهد یافت، از این رو امام خمینی (س)، صلاح دین و دنیای امت اسلامی را انسجام در همه امور - که امر تبلیغ از اهم آن به‌شمار می‌رود - می‌دانند و هماهنگی بین تمام نهادهای تبلیغی و نظم در برنامه‌ریزی و اجرا و پرهیز از اختلاف، بی‌نظمی و تکروری را ضروری می‌شمارند و وجود سازمان خاص و نظام مخصوص به منظور رسیدگی به امر تبلیغ را برای خنثی کردن دسیسه‌های دشمن لازم می‌دانند.

معظم‌له ریشه اختلاف را در «شیطان» و القائنات شیطانی و اساس اتحاد را در «رحمان» و امدادهای رحمانی جستجو می‌کنند و بر این باورند که اگر انسان به امتثال تکلیف الهی و خدمت برای اسلام و گام برداشتن در مسیر حق و برای نیل به حقیقت

مصمم باشد، در این صورت از گزند اختلاف با دیگران مصون می ماند و کار او «عبادت» محسوب خواهد شد. غرض آنکه: انگیزه الهی، منشأ هرگونه اتفاق است و نیت غیرخدایی، مصدر هر نوع افتراق محسوب می شود.

### ششم: ضرورت توسعه دامنه تبلیغ

از آنجا که انقلاب اسلامی ایران در قرن بیستم در مقابل تمام دنیا ایستاد و فرهنگ نوینی را ارائه کرد و هم اکنون نیز مدعی ایفای رسالت جهانی اسلام است، تبلیغات آن نیز باید جهانی باشد. بر این پایه، تقویت و توسعه تبلیغات و گسترش دامنه آن به خارج از کشور با هدف ارائه جمال دلپذیر اسلام به عالمیان و معرفی انگیزه های انقلاب اسلامی و خصایص آن و امتیازات این انقلاب از سایر انقلابات به بشریت امروز و فردا، از مهمترین امور محسوب می شود؛ و در این امر خطیر، نقش تبلیغی سفارتخانه ها و مبلغان والا همت از عالمان حوزه های علمیه و دانشوران دانشگاهها برای پر کردن دنیا از مظاهر دلربای اسلام، کاملاً بارز و چشمگیر است.

امام امت با عنایت به اهمیت جهانی تبلیغ در عصر حاضر و ضرورت هماهنگی با تحولات نظام بین الملل، منحصر کردن تبلیغ به داخل نظام را به هیچ عنوان کافی ندانسته و بر ضرورت افزایش حجم و گسترش ابعاد تبلیغ و اعزام مبلغان زن یا مرد به خارج از کشور بدین منظور تأکید فرموده اند؛ و چون این مهم، جز با «یادگیری زبانهای زنده و شایع دنیا» - که ابزار مهم توسعه تبلیغی است - متحقق نخواهد شد، حضرت امام آن را امری لازم، بلکه «عبادتی بزرگ» می دانند و ورود آن را در زمره برنامه های رسمی مدارس، ضروری می شمرند؛ هر چند در گذشته که فکرها عقب افتاده بود، یادگیری زبانهای خارجی مانند فلسفه و عرفان، در حد «کفر» محسوب می شد و کسی را یارای آن نبود که حتی اسم آن را به زبان آورد!

### هفتم: ویژگیهای مبلغان

گرچه همه قشرهای هوشیار و متمهد به اسلام در داخل کشور و خارج از آن، به نوبه خود

و در حوزه دانایی و قلمرو توانایی خویش، موظف به تبلیغ اسلامند، لیکن رسالت تبلیغ، اولاً و با لذات بر عهده انبیا، اولیا و اوصیای الهی - علیهم السلام - نهاده شده، و ثانیاً و بالتبع به جانشینان شایسته آن ذوات مقدس یعنی علمای اعلام، فقهای کرام و خطبای عظام - دامت توفیقاتهم و رضوان الله علی ماضیهم - که خداوند سبحان به آنان عزت و عظمت بخشیده و دیگران را پیرو آنان قرار داده، واگذار گردیده است و پس از آنها به قاطبه دانشمندان، گویندگان، نویسندگان، هنرمندان، شاعران و... سپرده شده است.

بر این اساس، در طول تاریخ، پیام آوران الهی (ع) عموماً و خاتم انبیا (ص) خصوصاً که مأمور به بیداری توده‌های بی‌ساز و برگ، فقیر، مستضعف و ستم‌دیده بر ضد قدرتمندان، مستکبران، طاغیان و ستم‌پیشگان بودند، در تبلیغ رهاورد بی‌بدیل دین، سعی بلیغی مبذول داشته‌اند و از هر خطری استقبال نموده تا مرز شهادت پیش رفته‌اند؛ چه اینکه اوصیای آنان نیز در ایفای این وظیفه سنگین، از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نکردند و نمونه بارز آن را در حماسه تاریخی و تاریخ‌ساز آموزگار بزرگ تبلیغ، سالار شهیدان حضرت حسین بن علی - علیهما السلام - و اهل بیت و فرزندان عالیمقدار آن حضرت می‌توان مشاهده نمود که نه تنها خون پاک آنان تابید، درس مقاومت، شرف، آزادی، آزادگی و سازش‌ناپذیری به جهانیان داده است؛ بلکه خون دل آنان به آیندگان به خوبی آموخته است که بعد از وقوع مصیبت بزرگی، که همه مصایب در برابر آن کوچک است، باید با ایستادگی و استقامت به «نبرد تبلیغی» که ثمردهی مبارزه مسلحانه درگرو آن است، پرداخت و در مقابل کفار و زنادقه قاطعانه و پیروزمندانه سخن گفت نه اینکه ذلیلانه تسلیم و قائل به تخفیف در مجاهده گردید.

نایبان راستین انبیا و اوصیای الهی؛ یعنی علمای اسلام نیز با اقتباس از الگوی نبوی و اسوه حسینی - علیهما السلام - در طول قرون متمادی، در همه محافل مذهبی مخصوصاً مجالس وعظ و خطابه و عزاداری و اجتماعات سوگواری اهل بیت عصمت، بویژه سیدالشهدا (ع) به تبلیغ و تعلیم معارف دین اهتمام ورزیده و در این راه صعب، تحمل هر رنجی را بر خود هموار ساخته‌اند که البته و بدون شک، این وظیفه سنگین پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، که اسلام را برای همیشه تاریخ از غربت بدر آورده و شهره

آفاق گرداند، بیش از پیش مورد توجه و وجهه همت والای متفکران و فرزندگان و اندیشوران الهی خواهد بود.

### هشتم: وظایف مبلغان

۱. از آنجا که اسلام همه نسلها را مکلف می‌داند و رسالت پیامبر خاتم (ص) نیز به عصر خاص و نسل مخصوصی اختصاص ندارد، همه ما موظفیم برای تربیت نسلهای آینده بکوشیم؛ تربیتی که از خانه آغاز می‌شود و در دبستانها، دبیرستانها و دانشگاهها ادامه می‌یابد.

بر این اساس، امام امت بر همه شاعران، نویسندگان، گویندگان و هنرمندان متعهد - که دل در گرو اسلام عزیز دارند - تکلیف می‌داند که شمه‌ای از مصایب وارده بر این ملت از ناحیه رژیم سابق و روند ولادت، رشد و بلوغ انقلاب عظیم اسلامی را در مجامع عمومی بازگو کنند و در محافل خصوصی منعکس سازند و در کتابها و رساله‌های خویش ثبت کنند تا برای نسلهای آینده در طول تاریخ، محفوظ باشد و آیندگان در سایه آن، از «دردها و درمانها» آگاه شوند و دوست و دشمن را بشناسند و وظیفه خود را در قبال آنان بدانند. اگر در ادای این فریضه قصور یا تقصیری روا داشته شود، آنها مدیون نسلهای آینده‌اند که ممکن است با گفتن و نوشتن آنها، بیدار و از رنجهایی که بر ملتها مخصوصاً ملت ایران گذشته، مطلع شوند و در صدد علاج آنها برآیند.

به نظر حضرت امام علما، دانشمندان، متفکران، فیلسوفان، محققان، عارفان و روشنفکران دلسوز در تمام دنیا، که از محتتهای وارده بر اسلام آرام و قرار ندارند و به حال اسلام و مسلمانان تأسف می‌خورند، باید تماشاگر جنایات ابرقدرتها و انگلهای آنان نباشند و با سکوت خود مجال ندهند که دنیا در آتش کینه دیرین استعمارگران و مستکبران از اسلام انقلابی و استقلال و آزادی ملتها بسوزد؛ بلکه دامن همت به کمر بزنند و با کوشش و فداکاری، به عنوان یک تکلیف انسانی، مذهبی، ملی و اخلاقی، از مسلمانان و عموم مستضعفان جهان «غفلت‌زدایی» نمایند و با گفتار و نوشتار خود، ملتهای مظلوم و دربند و محرومان تاریخ را برای خارج کردن ستمگران از صحنه و

سپردن حکومت به مستضعفان بسیج کنند، چنانکه ملت رشید ایران با دست خالی از سلاحهای متعارف، و قلب مشحون از ایمان به خداوند و امدادهای غیبی او، و با نثار جان و ایثار مال، در مدت زمان کوتاهی، از بندها رهایی یافت و ستمگران غارتگر و جنایتکاران ستم پیشه را در بند کشید یا از حریم مقدس کشور خویش به بیرون راند؛ در حالی که در آن زمان در منطقه خاورمیانه، قدرتی به پایه رژیم ظالم پهلوی وجود نداشت. ۲. ممکن است قلمقرسایان هنرمند بتوانند میدانهای شجاعت و دلآوری رزمندگان اسلام در حماسه جاوید هشت سال دفاع مقدس، و قدرت و جسارت فوق‌العاده و شهامت بی‌نظیر آنها را زیر آتش مسلسلها، توپها و تانکها ترسیم کنند و نقاشان و هنرپیشگان قادر باشند پیروزیهای هنرمندانه آنان را در شبهای تاریک در مقابل موشکها و بمب‌افکنهای دشمن، مجسم سازند؛ اما از تصویر آن بعد الهی عرفانی و جلوه معنوی ربانی - که جانهای عاشق را به سوی خود پرواز می‌داد - عاجزند و حال قلبهای ذوب شده در تجلیات الهی را نمی‌توانند تشریح کنند، با وجود این، حضرت امام به همه تحلیلگران، شاعران، هنرمندان و نقاشان پیشنهاد می‌کند تا هر آنچه در توان دارند در طایق اخلاص نهاده و به این سلحشوران عظمت آفرین ملت ایران و اسلام بزرگ تقدیم نمایند و بکوشند تا مراحل مختلف پیروزی این حماسه آفرینان فداکار را با گفتار، نوشتار و کردار خویش در معرض نمایش قرار دهند، و در محافل «هفته جنگ» و بزرگداشت دفاع مقدس، فواید، نتایج و پیامدهای این دفاع مردانه و فتوحات عظیم آن را برشمارند و بدین وسیله، به گوشه‌ای از وظیفه اسلامی، انسانی، ملی و میهنی خود عمل کنند.

### نهم: وجوه تبلیغ

۱. همان‌طوری که انقلاب اسلامی با «تبلیغ» آغاز شد، نه با اعمال زور و استفاده از نیروهای نظامی؛ و از همین رو دلها را به خود جذب و با خود همراه نمود؛ صدور انقلاب اسلامی نیز با «تبلیغ» میسر خواهد بود نه با شمشیر و سرنیزه؛ و به همین سبب، روزبه روز دنیا شاهد شکوفایی بیشتر اسلام ناب محمدی (ص) خواهد بود، هرچند امروزه از غریبترین امور در دنیا، همانا اسلام ناب رسول الله (ص) است.

نکته مهم آنکه: تبلیغ اسلام دارای وجوهی است که اهمّ آن عبارت است از:  
الف) «تبلیغ لفظی»؛ نظیر استفاده از لسان شعر، که بالاترین زبان برای تبلیغ است.  
ب) «تبلیغ عملی»؛ مانند سیره انبیا و اوصیا(ع) از اول تا آخر در طول تاریخ، که سرمشق عملی و ابدی همگان است و قبلاً به نمونه‌هایی از آن اشاره شد.

۲. گرچه ممکن است گاهی تبلیغ لفظی بر تبلیغ عملی، تقدم زمانی داشته باشد، لیکن از آنجا که پندکرداری و اعطای متعظ و عالمان عامل و نیک‌اندیشان خوش‌رفتار، بسی بیش از وعظ‌گفتاری دیگران سودمند و مؤثر است<sup>۱</sup>؛ از این رو تبلیغ عملی، بر تبلیغ لفظی تقدم رُتبی دارد؛ زیرا علم، مقدمه عمل و عمل، میوه درخت علم است و عالم بی‌عمل چونان درخت بی‌ثمری است که دلها را به سوی خود جذب نمی‌کند و حال آنکه عالم عامل با ارائه ثمرات دانش خویش در عرصه عمل، دیگران را به تحصیل علم دعوت می‌کند؛ و وقتی دیگران، ثمر شجره علم را در او ببینند، برای دستیابی بدان، می‌کوشند تا نهال دانش را در سرزمین جان خویش عرس نمایند؛ بر این اساس، حضرت امام فرموده‌اند:

«ما هرچه فریاد بزیم که... جمهوری اسلامی هستیم، لکن وقتی ببینند ما را که در عمل، غیر او هستیم، از ما دیگر باور نمی‌کنند... وقتی می‌توانند باور کنند از ما که... عمل اسلامی باشد تا صادر بشود این جمهوری اسلامی در سایر کشورها»<sup>۲</sup>.

۳. هرچند رسالت خطیر تبلیغ مانند بسیاری دیگر از وظایف الهی - انسانی، در شرایط مختلف، بنا به مقتضیات زمان و مکان و میزان استطاعت، به اشکال گوناگونی قابل تصور و تصویر است، لیکن هرگز تعطیل‌پذیر نخواهد بود؛ بنابراین به تعبیر امام امت، پیامبر گرامی (ص) و امامان معصوم - علیهم السلام - حتی آن روز که دستشان بسته بود و نمی‌توانستند حتی یک کلمه برخلاف سیاست دولت وقت بر زبان جاری سازند، از امر تبلیغ دست نکشیدند و با «ادعیه»، مردم را دعوت می‌کردند که نمونه بارز آن را در سیره و سنت آموزنده قهرمان عرصه دعا و نیایش حضرت امام سجاد(ع) به روشنی

۱. عنان به میکه خواهیم نافت زین مجلس که وعظ بی‌عملان واجب است نشیندن(حافظ)

۲. صحیفه امام؛ ج ۱۳، ص ۴۸۸.

می‌توان یافت.

### دهم: مراکز تبلیغ

هر چند به همان معیار که حوزه شمول وظیفه تبلیغ در سطوح نازل یا متوسط آن، همه اقشار متعهد و دلسوز در داخل کشور و خارج از آن را شامل می‌شود؛ مراکز تبلیغ نیز به زمان خاص یا مکان مخصوصی منحصر نیستند و تمام پهنه جامعه را دربر می‌گیرند؛ اما مراکز اصلی و اصیل دعوت، تعلیم و تبلیغ اسلامی در سطوح عالی از نظر امام راحل عبارتند از:

۱. «مساجد و مصالها» که از صدر اسلام، مرکز سیاست اسلامی و اجتماعات سیاسی و بسیج قشون برای سرکوبی کفار محارب و مستکبر و وادار کردن آنها تحت بیرق اسلام و قطع ایادی کفر، شرک، الحاد و نفاق و تأیید مستضعفان در مقابل مستکبران و خلاصه مرکز جنبشها و کانون سرکوبی اسلامی بوده است.

۲. «مکه معظمه» که در زمان اجتماع عظیم مسلمانان برای ادای فریضه حج، کانون دعوت و تبلیغ «وحدت جهانی اسلام» است؛ چیزی که اساسی همه چاره‌اندیشهاست و ریشه گرفتاریهای جهان اسلام، بلکه محرومان و مستضعفان عالم را قطع می‌کند و فساد را از بن می‌سوزاند.

۳. «مجالس وعظ، خطابه، عزا، سوگ و ماتم» عترت پاک پیامبر (ص) بویژه سالار شهیدان - سلام الله علیه - که آموزگار بزرگ تبلیغ در همه ابعاد، شئون و وجوه آن است.

۴. «سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی» در خارج از کشور که می‌بایست در مسیر رشد و ترقی و تعالی اسلامی گام بردارند و به طرق مختلف؛ از جمله چاپ و انتشار نشریات اسلامی به گسترش اسلام ناب در اقطار عالم بپردازند.

### یازدهم: ابزارهای تبلیغ

تبلیغ کارآمد به ابزارهای ذیل نیازمند است:



## الف) مطبوعات

۱. به دلیل آنکه وجود نیروی انسانی تربیت یافته، هم در مرحلهٔ حدوث و هم در مرحلهٔ بقا، رکن مهم انقلاب اسلامی به شمار می‌رود، امام خمینی (س) بدترین خیانت دست اندرکاران عرصهٔ فرهنگ را، عقب نگاه داشتن و انحطاط نیروی انسانی کشور، و بهترین خدمت آنها را رشد و تربیت صحیح آنان دانسته‌اند.

چون ایجاد اطمینان قلبی و استقلال روحی و اشراق «نور امید» از عوامل مهم پرورش صحیح نیروی انسانی یک کشور است، و ترویج احساس ناتوانی، عجز و ضعف و وابستگی روحی و سیطرهٔ «ظلمت یأس» از موانع اصلی آن به شمار می‌رود، امام امت - که رسانه‌ها و مطبوعات را «مربی کشور» می‌دانند - آنها را به حساسیت و اهمیت کار خویش متوجه ساخته، و نویسندگان مطبوعات را به‌طور مؤکد توصیه می‌کنند به ملتی که با امداد الهی در مقابل ابرقدرتهای شرق و غرب ایستاده و در این راه پرخطر، خون داده و خون دل خورده است و نمی‌خواهد هیچ‌گاه زیر سلطهٔ قدرتهای بیگانه شرق و غرب باشد، امید بدهند و توهم باطلی «ناتوانی» را از قلب آحاد ملت دفع کنند و با زدودن «یأس» که از جنود شیطان است، و افزودن «امید» که از سپاه رحمان است، راه پیروزی را بر ملت هموار سازند.

۲. سفارش اکید امام راحل به ارباب جرأید آن است که همگی در جهت رسیدن به مقصد جمهوری اسلامی - که همان مقاصد والای اسلامی است - حرکت کنند و بکوشند تا همواره از ملت، برای ملت، در مسیر ملت، خدمتگزار ملت، حامل پیام مترقی و منعکس‌کنندهٔ آرمان متعالی ملت - که همانا «اسلام» است - باشند؛ و هرگز تخلف از آن را روا ندارند؛ در پیشگاه خداوند سبحان و در برابر مردم، احساس مسئولیت کنند و نسبت به تبلیغ احکام اسلام، تهذیب نفوس جامعه و نشر اخلاق فاضلهٔ انسانی و تقوای الهی در جامعه سعی و تلاش کنند و از طرح آنچه برای «وحدت جامعه» مضر است و به انگیزه‌ای که امت دیندار و دین باور ایران برای آن قیام کرده است، آسیب می‌رساند و در حقیقت برای اسلام زیانبار است؛ احتراز نمایند؛ و نقش اساسی خود را در ایجاد فضایی سالم و آرام که از گزند تشنج، محفوظ، و از

آفت اختلاف، مصون است بدرستی ایفا کنند و شیرینی برادری و حلاوت اخوت ایمانی را در کام خود و دیگران جلوه‌گر سازند، دشمن را از رسیدن به هدفهای سوء خود - که عمده آن، القای عداوت، بغض و کینه بین برادران ایمانی است - باز دارند و او را ناکام گذارند.

چون رشد و پویایی هر جامعه و حرکت رو به پیشرفت آن، در گرو رواج «فرهنگ نقد» با رعایت ادب، عدالت و انصاف و مراعات موازین اخلاق اسلامی است؛ امام بزرگوار، مطبوعات را به طرح «انتقاد سالم»، که به منظور مصلحت‌اندیشی و هدایت افکار عمومی به سمت مصالح جامعه و با سلامت نفس و مستند به مبانی غیرنفسانی و با کمال بیطرفی مطرح گردد و طراح آن به مسئولیت الهی خویش کاملاً آگاه باشد، فرا می‌خواند و از آن استقبال می‌کند.

نصیحت سودمندان ایشان به نویسندگان و اصحاب قلم و ارباب مطبوعات چنین است: «هر قدمی که برمی‌دارید... برای اسلام بردارید تا اینکه کارتان عبادت باشد». <sup>۱</sup> «قبل از اینکه تیترها را بخواهید درشت بنویسید، با خودتان خلوت کنید و ببینید که برای چه این کار را می‌کنید؟ مقصد شما چه است؟ شما حق را برای [اینکه] حق [است] می‌خواهید یا حق را از رقبای خودتان نمی‌پذیرید؟ باطل را برای باطل از آن متنفر هستید یا باطل را از دوستان خودتان می‌پذیرید؟ شما خود را امتحان کنید». <sup>۲</sup>

۳. در دوران اختناق پنجاه ساله رژیم ننگین پهلوی، مطبوعات هرگز حق هیچ‌گونه اظهارنظری نداشتند و زیر نظر سازمان امنیت اداره می‌شدند؛ هرچه از طرف سازمان و عوامل وابسته بدان، به آنها دیکته می‌شد، می‌نوشتند؛ بدون اینکه از خود اراده‌ای داشته باشند؛ اما به لطف الهی در سایه انقلاب شکوهمند اسلامی، همای آزادی و استقلال در آسمان اندیشه متفکران این مرز و بوم به پرواز درآمده است.

در این میان، نکته مهم آن است که چون انگیزه ملت ایران از انقلاب، آزادیخواهی صرف و استقلال‌طلبی محض نبود؛ بلکه آزادی و استقلال در پرتو اسلام، نه منهای آن،

۱. صحیفه امام؛ ج ۱۶، ص ۴۰۳.

۲. همان؛ ج ۱۴، ص ۱۴۷.

مطلوب نهایی این ملت بود و به همین علت، از هرگونه نثار و ایثاری دریغ ننمود، از این رو پس از پیروزی انقلاب و در عصر تأسیس و استقرار و تثبیت نظام جمهوری اسلامی نیز «آزادی» فقط در چهارچوب اهداف، آرمانها و ارزشهای اصیل نهضت اسلامی معنا دارد و معقول و مقبول است و «آزادی توطئه» هرگز قابل تحمل نیست؛ بر این پایه، امام فقید ضمن استقبال از آزادی مطبوعات و استقلال آنها در طرح مطالب خود، چونان همیشه با قاطعیت و صلابت می‌فرماید:

«آزادی غیر از توطئه است. از توطئه‌های خلاف مصالح عالیة اسلام و کشور جداً جلوگیری می‌شود و من در صورت احساس خطر جدی، مسائلی را با ملت در میان می‌گذارم تا ملت دلیر، خود تصمیم لازم را بگیرد»<sup>۱</sup>.

#### ب) صدا و سیما

۱. گرچه به باور امام امت، حیثیت اسلام و جمهوری اسلامی و آبروی این نهضت، وابسته به عملکرد همه دستگاههای نظام مخصوصاً نهادهای تبلیغی و دست اندرکاران آنهاست، لیکن سازمان صدا و سیما به دلایلی که در ذیل می‌آید، دو میان رسانه‌ها از همه حساستر و مهمتر است و می‌تواند یک مملکت را اصلاح، ارشاد و هدایت کند یا خدای ناکرده به فساد، انحراف و تباهی سوق دهد؛ آنچه صدا و سیما را از دیگر دستگاههای تبلیغی نظام ممتاز می‌گرداند، عبارتند از:

اول: فراوانی و تنوع مخاطبان؛

دوم: عدم محدودیت شعاع آن و گستره نفوذ این رسانه در پهنه زندگی شهری و صحنه زندگی روستایی و تبلیغات خارجی؛

سوم: توانایی آموزش از دور راه شنوایی و بینایی؛

چهارم: امکان پیام‌رسانی سریع به اقصی نقاط شهرستانها، روستاها و خارج از کشور. ۲. از دیدگاه امام خمینی (س)، صدا و سیما یک دستگاه عظیم آموزشی و تربیتی و به منزله یک «دانشگاه عمومی» است که قلمرو آن، در سطح کشور گسترده است.

این رسانه سراسری باید با مردم، حکم معلم و شاگرد را داشته باشد، با حذف برنامه‌های بیهوده و صرفاً سرگرم‌کننده، و ارائه برنامه‌های اصولی و منطبق با موازین اسلام و برخاسته از بینش و فرهنگ اصیل اسلامی، به روشنگری پردازد و مردم را با غذاهای صحیح و سالم تغذیه کند و نسل آینده را - که نیازمند تربیت مستمر از خانه تا دبستان، دبیرستان و دانشگاه است - مبارز بار آورد؛ متفکر و برومند پیوراند؛ مستقل و دارای اراده و تصمیم، نه پایبند به مسائل شهوی و امور مخدر، پرورش دهد و آزادمنش و شرافتمند تربیت نماید و از «غربزدگی» - که آفت استقلال کشور و مانع بروز استعدادهای درخشان برای رشد و تعالی جامعه است - نجات بخشد و در مقابل، به معرفی و تشویق چهره‌های برجسته دانش و فرهنگ و ادب جداً همت گمارد.

بدین منظور باید سازمان صدا و سیما ضمن حفظ استقلال خویش، زیر نظر اشخاص مطلع و متعهد اداره شود و از عناصر منحرف، مفسده‌جو، اخلاک‌گر، فاسد و نالایق، هر چند متخصص و مجرب باشند، پاکسازی و تطهیر گردد؛ زیرا زیان متخصص مضر، بیش از غیرمتخصص بی‌ضرر است؛ و می‌بایست طراحان برنامه‌سازان و مجریان، از تقلید از شرق و غرب - که با صدا و سیمای اسلامی ناسازگار است - شدیداً پرهیز نمایند و از گفته‌ها و نوشته‌های روشنفکران غربزده و قلم به‌دستان خود فروخته - که جمهوری اسلامی هیچ‌گاه به تعریف و تمجید آنها نیازمند نیست و نخواهد بود - هراسی به خود راه ندهند.

۳. چون جانبازی والای ملت ایران مخصوصاً طبقات محروم و اقشار مستضعف بود که با اتکال به اسلام عزیز و قوت ایمان به خدای قدیر، همگان را از اسارت و نکبت پنجاه‌ساله پهلوی رهایی بخشید و ارمغان پیروزی را به همراه آورد، لذا در دیدگاه بلند امام بزرگوار، به میزانی که پابرهنگان و زاغه‌نشینان بر دستگاه‌های حکومتی از جمله صدا و سیما حق دارند، دیگر طبقات از جمله قشر بالای جامعه و مسئولان کشور حق ندارند.

بر این اساس، معظم‌له با کمال فروتنی و در نهایت خاکساری، از ذکر مداوم

نام خویش در صدا و سیما انتقاد و ابراز عدم رضایت نموده و اصل «مردم محوری» در صدا و سیما؛ مانند دیگر رسانه‌های جمعی و گروهی را مورد تأکید قرار می‌دهند و می‌فرمایند: «... ما باید به مردم ارزش بدهیم، استقلال دهیم و خودمان کنار بایستیم و روی خیر و شر کارها نظارت کنیم.»<sup>۱</sup> ایشان همچنین معتقدند که در جمهوری اسلامی باید اخبار کشور برای مردم که محرم راز انقلابند، «صادقانه» بازگو شود و واقعیات همان‌طور که هست به مردم منعکس گردد و با رعایت «صدق خبری» و نقل اخباری که از منابع موثق به دست آمده و صحت آن قطعی است، از تشویش اذهان و اضطراب قلوب جلوگیری شود و در مصاحبه با مردم، از «افراگیری» که زمینه ناراحتی آنان را فراهم می‌کند بشدت اجتناب گردد و نظر حقیقی مردم شریف در این رسانه ملی انعکاس یابد.

### ج) هنر اسلامی

بی‌شک پدیده شگفت‌انگیز و اعجاب‌آور انقلاب اسلامی ایران به عنوان «اعجاز بزرگ» قرآن و عترت در قرن بیستم، با صبغه فکری و فرهنگی خویش، تحولات میمون و دگرگونی‌های مبارکی در عرصه حیات فردی و شئون زندگی اجتماعی ملت ایران و دیگر ملت‌های دنیا پدید آورد و تغییرات عمیقی در انواع رشته‌های علوم و معارف بشری به دنبال داشت که یکی از آنها «تحول جوهری هنر» و انقلاب ماهیت آن، و ولادت «هنر اسلامی» در آغوش انقلاب اسلامی است.

از آنجا که این دگرگونی ماهوی، همچون تحول در دیگر عرصه‌ها، به دست توانای امام عظیم‌الشأن در عصر حاضر تحقق یافت، تبیین آن نیز جز در پرتو کلمات آن بزرگوار میسر نخواهد بود؛ لذا این مقدمه مبسوط را با پیام مهم آن نادر دوران درباره «هنر اسلامی و ویژگی‌های آن» که در ماه‌های آخر عمر شریف ایشان (زمانی که آن بزرگوار فرقان اسلام امریکایی از اسلام ناب محمدی (ص) را چونان ذوالفقار علی در دست، و کینه دیرینه مبلغان اسلام امریکایی را در سینه، و ندای غربت اسلام ناب را بر لب، و

آرزوی قربانی شدن در راه نجات آن را در دل داشت) از قلم معظم‌له صادر شده و در عین اختصار، حاوی معارف عمیق و گوهرهای عتیق و بیان انیق است، با عنایت به تأثیر انقلاب هنری در تحول ژرف تبلیغی به پایان می‌بریم:

«خون پاک صدها هنرمند فرزانه در جبهه‌های عشق و شهادت و شرف و عزت، سرمایه زوال‌ناپذیر آنگونه هنری است که باید به تناسب عظمت و زیبایی انقلاب اسلامی، همیشه مشام جان زیباپسند طالبان جمال حق را معطر کند.

تنها هنری مورد قبول قرآن است که صیقل دهنده اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله وسلم - اسلام ائمه هدی - علیهم السلام - اسلام فقرای دردمند، اسلام پایرهنگان، اسلام تازیانه‌خوردگان تاریخ تلخ و شرم‌آور محرومیتها باشد.

هنری زیبا و پاک است که کوبنده سرمایه‌داری مدرن و کمونیسم خون‌آشام و نابودکننده اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومایگی، اسلام مرفهین بی‌درد و در یک کلمه اسلام امریکایی باشد.

هنر در مدرسه عشق، نشان‌دهنده نقاط کور و مبهم معضلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی است. هنر در عرفان اسلامی، ترسیم روشن عدالت و شرافت و انصاف، و تجسیم تلخکامی گرسنگان مغضوب قدرت و پول است. هنر در جایگاه واقعی خود، تصویر زالو صفتانی است که از مکیدن خون فرهنگ اصیل اسلامی، فرهنگ عدالت و صفا لذت می‌برند. تنها به هنری باید پرداخت که راه ستیز با جهان‌خواران شرق و غرب و در رأس آنان امریکا و شوروی را بیاموزد.

هنرمندان ما تنها زمانی می‌توانند بی‌دغدغه کوله‌بار مسئولیت و امانتشان را زمین بگذارند که مطمئن باشند مردمشان بدون اتکا به غیر، تنها و تنها در چهارچوب مکتبشان به حیات جاویدان رسیده‌اند و هنرمندان ما در جبهه‌های دفاع مقدس‌مان اینگونه بودند تا به ملأ اعلا شتافتند و برای خدا و عزت و سعادت مردمشان جنگیدند و در راه پیروزی اسلام عزیز، تمام مدعیان هنر بی‌درد را رسوا نمودند. خدایشان در جوار رحمت خویش محشورشان گرداند.<sup>۱</sup>

## ویژگیهای این مجموعه

این مجموعه که در گروه اجتماعی حوزه معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام استخراج و تنظیم شده است، مشتمل بر سه بخش و دوازده فصل است. بخش اول که «تبلیغات» عنوان آن است، مطالبی در شش فصل شامل کلیات، تبلیغات در عصر پهلوی، نقش تبلیغات در پیروزی انقلاب اسلامی، تبلیغات در جمهوری اسلامی، تبلیغات ضد انقلاب داخلی و تبلیغات استکبار جهانی است. در بخش دوم «رسانه‌های گروهی» به مطالبی پیرامون اهداف رسانه‌ها، اهمیت رسانه‌ها، رسانه‌ها در عصر پهلوی و رسانه‌ها در جمهوری اسلامی پرداخته شده است. در بخش سوم تحت عنوان «هنر و هنرمندان» مطالبی در رابطه با هنرمندان، هنر اسلامی و استفتائات مرود اشاره قرار گرفته است.

در تنظیم این مجموعه کوشیده‌ایم:

۱. عبارتها را با توجه به پیام صریح و اصلی آنها ذیل نزدیکترین عنوان انتخابی بیاوریم و از تکرار آنها در سایر عناوین خودداری کنیم؛ به همین دلیل در بسیاری از موارد ممکن است مطلبی که ذیل یک عنوان خاص آمده است، حاوی پیامی مربوط به عنوان دیگر نیز باشد که به استثنای موارد معدود، در عنوان بعدی تکرار نشده است؛ لذا محققین محترم برای احصای نقطه نظرات حضرت امام در خصوص هر عنوان نمی‌توانند به موارد ذکر شده ذیل همان عنوان اکتفا نمایند؛ بلکه مراجعه به سایر عناوین این مجموعه اجتناب‌ناپذیر است.

۲. علاوه بر انتخاب عناوین و سرفصلهای مطالب این کتاب، برای هر یک از قطعات منتخب نیز جمله یا عنوانی در نظر گرفته شده است که عبارت آن لزوماً عین عبارت حضرت امام نیست؛ هر چند کوشش شده است به تعابیر امام نزدیک باشد؛ لذا خوانندگان و محققان محترم باید توجه داشته باشند که عناوین هر یک از قطعات منتخب که با حروف سیاه نگاشته شده است، از تنظیم کنندگان این مجموعه می‌باشد و نباید به حضرت امام منتسب گردد.

۳. تاریخ صدور پیامها و سخنرانیهای حضرت امام مأخوذ از مجموعه صحیفه امام، در

ذیل هر قطعه ذکر شده و مشخصات کامل مآخذ بر اساس شماره مسلسل ذکر شده در پایان هر قطعه در انتهای کتاب بر اساس صحیفه امام و صحیفه نور آورده شده است. در پایان لازم می‌دانیم از کلیه افرادی که ما را در تهیه این مجموعه یاری داده‌اند خصوصاً برادر محمدمبین شاهجویی که در نگارش مقدمه زحمات زیادی متحمل شده‌اند، تشکر نماییم. از خداوند متعال خواهانیم امام راحل، این مصلح بی‌بدیل عصر و کسی که به چیزی جز استقلال و اعتلای فرهنگی این جامعه نمی‌اندیشیدند، در جوار انبیا و اولیا و صلحای خود مسکن دهد؛ و به کلیه کسانی که در راه رشد و تعالی فرهنگ و تربیت جوانان این مملکت تلاش می‌کنند، توفیق بهره‌وری هرچه بهتر و بیشتر از هدایتهای و ارشادات آن مرد صادق عطا فرماید و انقلاب اسلامی، این یادگار آن عزیز سفر کرده و حاصل تلاش و کوشش همه اولیای الهی را به انقلاب بزرگ مهدی موعود (عج) متصل بفرماید.

معاونت پژوهشی

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)